

نمایش تازه برای روزهای پس از کرونا

سالن‌های نمایشی تعطیل هستند اما اهالی تئاتر امیدوارند به روزهای بعد از کرونا و بسیاری از آنها برنامه‌هایی برای آینده تدارک دیده‌اند از جمله ناصر حسینی مهر که به مهر خبر داده: برای اجرا در سال ۹۹، نمایش «مده-آ ماتریال» اثر هاینر مولر را جایگزین نمایش «مسخ» کافکا می‌کند. این مدرس، مترجم، بازیگر و کارگردان تئاتر که طی ۲ سال اخیر قصد اجرای نمایش «مسخ» اثر کافکا را بر صحنه تئاتر داشت، درباره وضعیت فعالیت خود در زمینه کارگردانی تئاتر در سال آینده گفت که طی یک سال اخیر متن کامل نمایشنامه «مده-آ ماتریال» اثر هاینر مولر را ترجمه کرده و تحویل ناشر داده و قصد دارد آن را اجرا کند. او توضیح داده: طبق برنامه اعلام شده مجموعه تئاتر شهر، نوبت اجرا در پاییز سال ۹۹ در نظر گرفته شده و امیدوارم این نمایش را به همراه «هملت ماشین» که یکی از آثار مطرح دراماتیک جهان است، روی صحنه ببرم. نمایشنامه تازه حسینی مهر، آن طور که خودش می‌گوید پر از تصویر و جملات جادویی است و اجرای آن برای نسل جوان خیلی پُرانگیزه خواهد بود.

اطلاعات کتابفروشی‌ها در دسترس است

فهرست کتابفروشی‌های سراسر کشور به همراه آدرس و شماره تماس آنها در سایت خانه کتاب قابل مشاهده است. ایسنا این خبر را به نقل از روابط عمومی موسسه خانه‌کتاب، منتشر کرده و نوشته که با شیوع ویروس کرونا در کشور و لزوم حفظ نکات بهداشتی و رعایت توصیه‌های ستاد ملی مدیریت کرونا مبنی بر ماندن هموطنان در خانه، هرچند مراجعه به کتابفروشی‌ها کاهش داشته است، اما زمان مناسبی برای خواندن کتاب‌های مورد علاقه فراهم شده است و کتابخوانی می‌تواند در ایام حضور افراد در منزل مورد توجه ویژه قرار بگیرد.

بنابراین به منظور تهیه کتاب‌های مورد نیاز و خارج نشدن از منزل، علاقه‌مندان به کتاب می‌توانند با مراجعه به سایت ketab.ir در قسمت بانک‌های اطلاعاتی و منوی کتابفروشی‌ها به فهرست کتابفروشی‌های سراسر کشور دسترسی پیدا کنند. فهرست کتابفروشی‌ها به تفکیک استان و شهر در سایت خانه کتاب قابل مشاهده است و علاقه‌مندان می‌توانند طی تماس با کتابفروشی مورد نظر خود، کتاب یا کتاب‌های مورد نیاز خود را سفارش دهند. در این میان برخی ناشران و کتابفروشی‌ها با برگزاری مسابقه کتابخوانی مجازی، فروش ویژه و ارسال رایگان کتاب برای تشویق و ترغیب مخاطبان تلاش می‌کنند.

بداهه نوازی بر اساس اشعار سهراب

آلبوم موسیقی «دورها آوایی ست...» بر اساس بداهه نوازی پیانو بردیا صدرنوری و نوازندگی دودوک صادق چراغی مشتمل بر ۱۱ آهنگ موسیقایی در دسترس مخاطبان قرار گرفت. ایسنا این خبر را منتشر کرد و نوشت: این اثر شامل ۱۱ آهنگ با نام «نوا» (از نوا تا نوا می) و «دشتی» (از دشتی تا دشتی ۶) است. ضبط، میکس و مسترینگ آلبوم «دورها آوایی ست...» توسط امید نیک بین در استودیو «شهرصدای پارسیان» به مدیریت آیدین الفت انجام گرفته است.

صادق چراغی یکی از نوازندگان آلبوم «دورها آوایی ست...» درباره این اثر توضیح داد: دورها آوایی ست... «بداهه نوازی دودوک و پیانو است؛ دو ساز که میان همه ناسازگاری‌های امروز جهان، از دور فرهنگ‌گوناگون با یکدیگر همراه و همراز شدند. پیانو، که بیشتر شناخته شده است و دودوک یا بالابان و نرّمه نای که کمتر شناسانده شده و بیشتر سازی بومی است. اقوام ترک و بسیاری از کردها در ایران آن را با نام «بالابان» می‌شناسند و در بخش‌هایی از کردستان آن را «نرّمه نای» می‌خوانند. آلبوم موسیقی «دورها آوایی ست...» با هنرمندی بردیا صدرنوری و صادق چراغی طی روزهای پیش‌رو به دلیل رعایت موازین بهداشتی و پیشگیرانه در جهت مقابله با شیوع ویروس «کرونا» برای آن دسته از شنوندگانی که مایل به خرید اثر به صورت فیزیکی هستند بدون دریافت وجه نقد از سوی موسسه «اردواندیش» به آدرس مورد نظر مخاطبان ارسال می‌شود. علاقه‌مندان برای تهیه آلبوم می‌توانند جهت سفارش با شماره تلفن ۸۸۵۸۱۴۷ موسسه فرهنگی «اردواندیش» تماس بگیرند.



بهار نواز محجوبی شنیدنی شد

در آستانه بهار، آلبوم «بهار نو» با اجرای آثاری از رضا محجوبی به خوانندگی مظفر شفیعی و گردآوری و تدوین محمدباقر زینالی در دسترس مخاطبان قرار گرفت. مهر در این باره نوشت: این آلبوم که در ۸ قطعه و ۴۳ دقیقه ارائه شده حاوی بازنوای گروهی آثار نوازنده ویولن معاصر، رضا محجوبی در آواز ابوعطاست. در این اثر محمدباقر زینالی، محمدامین اکبریور، امیرعلی تاج‌بخش و فرید خردمند به عنوان نوازنده همکاری کرده‌اند.

بینوایان رو و پشت صحنه

سالی که از سر گذراندیم، برای فرهنگ دوست‌های جدی‌تر و عمیق‌تر هم سال عجیبی بود. اهالی تئاتر، چه تولیدکنندگان نمایش چه تماشاگران آن، همیشه از فرهیخته‌ترین‌های عالم هنر به حساب می‌آمدند اما پای بی‌کیفیت‌های گران در سال ۹۸ به صحنه هم باز شد؛ نمایش‌هایی مانند اولیور توئیست، بینوایان و مری پاپینز به عنوان آثار موزیکال با بلیت‌های بسیار گران به مخاطبان عرضه شد و یک گونه تئاتری را برای همیشه در تئاتر ایران به وجود آورد به نام نمایش‌های لاکچری. وقتی بلیت یک تئاتر به ۳۰۰ هزار تومان برسد، معلوم است که صدای هنرمندان پیشکسوت و حتی وزیر ارشاد هم در می‌آید. مهر ماه بود که سید عباس صالحی در تویترش نوشت: «تئاتر لاکچری، تیر خلاص به این هنر مردمی است. اداره کل هنرهای نمایشی با هم‌اندیشی و همکاری خانه تئاتر، حریم صحنه را از آن مصونیت دهد.»

گران بودن قیمت بلیت این نمایش‌ها فقط بخشی از کلاه گشادی بود که بر سر بسیاری از تماشاگران تئاتر رفت، بخش دیگری از این کلاه با نمذ بازار سیاه و طمع مخاطبان ساخته می‌شد و همه اینها در حالی بود که بسیاری از این نمایش‌ها با استانداردهای جهانی تئاترها موزیکال فرسنگ‌ها فاصله داشتند.



کنسرت آن‌لاین از برج میلاد

بازار برنامه‌های هنری آن‌لاین در روزهای آلوده به کرونا داغ شده و این بار نوبت رسیده به روزبه نعمت الهی که برای دوستدارانش کنسرت آن‌لاین برگزار کند. ایسنا به نقل از روابط عمومی برج میلاد نوشته این کنسرت که ساعت ۲۲ روز شنبه ۲۴ اسفند ماه برگزار می‌شود، قرار است متفاوت باشد اما جزییات نحوه تماشای آن طی روزهای آینده اعلام خواهد شد.



معسومیت کتاب یا کتاب‌خوان معصوم!

در بخش کتاب و ادبیات، گوش علاقه‌مندان ساده اما طور دیگری بریده شد؛ ماجرا فقط این نبود که مثلاً «راز رخشید برملا شد» به نویسندگی علی سلطانی، توانست در چهار روز اول سی و دومین نمایشگاه کتاب تهران، برای ۵ بار تجدید چاپ شود و راز این پرفروش شدن چیزی نبود جز تبلیغات گسترده اینستاگرامی. با مثلاً عده‌ای به شوق آثار مصطفی مستور، به سرعت تمام نسخه‌های کتاب معسومیت را خریدند طوری که ۴ هزار نسخه از این کتاب در یک هفته اول انتشارش به فروش رفت. نه! این‌ها فقط اتفاقات معمولی در دنیای کتاب و ادبیات هستند که هر جای دیگری از جهان هم ممکن است اتفاق بیفتد اما سر نخ داستان غم‌انگیز کتاب‌های پرفروش و بی‌کیفیت را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد؛ در ماجرای ممنوعیت‌ها و قاچاق!

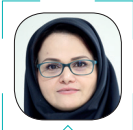
وقتی خبر ممنوعیت انتشار کتاب‌های بیووال نوح هراری، نویسنده و مورخ اسرائیلی در ایران منتشر شد، ناگهان کتاب‌های این نویسنده از جمله «انسان خداگونه» از هر دریچه و روزنه‌ای سر برآوردند و به فروش رفتند؛ از فروشندگان کتاب‌های افست در خیابان و مترو گرفته تا کتابفروشی نشر نو که هنوز است دارد چاپ اولش را به فروش می‌رساند و هیچ کسی نمی‌داند چرا نسخه‌های چاپ اول با وجود این همه استقبال هنوز تمام نشده!

داستان ممنوعیت‌ها و فروش بالای نسخه‌های بی‌کیفیت به نویسنده «ملت عشق» هم رسید؛ الیف شافاک آنقدر در ایران محبوب شده بود که ممنوعیت دو کتابش فرصتی بشود برای بریدن گوش علاقه‌مندان به آثار این نویسنده و فروختن آنها به قیمت‌های گراف در کوچه و برزن.

امسال کدام آثار فرهنگی توانستند با وجود کیفیت نه چندان قابل قبول به فروش فوق‌العاده دست پیدا کنند؟



بی‌کیفیت‌های دوست‌داشتنی!



آذر مهاجر

ادبیات و هنر

🗒 نه فقط در ایران بلکه در همه جای جهان محصولات عامه‌پسند، مخاطبان و طرفداران زیادی دارند و حساسی می‌فروشند تا آنجا که شاید بتوان این گزاره را از سوی دیگرش طرح کرد و گفت آن دسته از آثاری که در یک دوره زمانی مشخص با استقبال گستره قابل توجهی از مخاطبان روبه‌رو می‌شوند، عامه‌پسند به حساب می‌آیند و طبیعی است که در زمره آثار پرفروش قرار می‌گیرند. ناگفته پیداست که یک محصول فرهنگی برای جلب نظر بخش زیادی از مخاطبان، باید که در درجه و مرتبه‌ای از سادگی باقی مانده و خیلی به عمق معانی و موضوعات نزدیک نشود؛ اما این لزوماً به معنی بی‌کیفیت یا معیوب بودن یک اثر نیست و این مهم‌ترین و اصلی‌ترین حرف ماست در این نوشته؛ درواقع از همین جا اگر با این تعریف از عامه‌پسند بودن یک اثر موافق هستید و مرز باریک بین عامه‌پسندی و بی‌کیفیتی را قبول دارید، ادامه این گزارش را بخوانید تا دریابید در طول ساله که آخرین روزهایش را پشت سر می‌گذاریم چه آثاری در عرصه فرهنگ و هنر به بازار عرضه شده‌اند که از کیفیت لازم برخوردار نبوده‌اند؛ ولی متأسفانه با استقبال قابل توجه روبه رو شده‌اند و به دلایلی در زمره پرفروش‌ها قرار گرفته‌اند.

اشک‌ها و لبخندها و دیگر هیچ

پرفروش شدن فقط و فقط یک فیلم مانند «رحمان ۱۴۰۰» یا «مطرب» یا «همه با هم هستیم» در طول یک سال کافی است که اهالی سینما داغدار و ناامید شوند؛ سعید روستایی به مخدر پناه برد یا سروش صحت جهانش را زمین‌گیر کند. حالا تصور کنید که به جز این فیلم‌ها «تگراس ۲» و «خوب بد جلف ۲» هم در همین سال عزیز تولید شده باشد و اگر شیوع وحشیانه ویروس کرونا نبود، به چسا باید همین روزها و در آستانه سال نو در معرض «خوب بد جلف ۲» قرار می‌گرفتیم و با اکران این فیلم به استقبال اکران‌های نوروزی می‌رفتیم. چرا این فیلم‌ها بی‌کیفیت هستند؟ نه این که فکر کنید، آواز و بزن و یکوب، ایراد و مسأله این فیلم‌ها هستند، نه! داستان‌های بی‌سو و سرانجام، عاری از هر تعلیق و عطف، یک سوی ماجراست و ساده‌انگاری، شوخی‌های کلامی، اشارات جنسی و مواردی از این دست هم مزید بر علت که این فیلم‌ها در زمره آثار بی‌کیفیت قرار بگیرند. نقد و بررسی این فیلم‌ها در این فرصت نمی‌گنجد و نیز بررسی دلیل توجه مخاطبان به آثار سطحی اما پندیرد که بعد از تماشای این فیلم‌ها هیچ چیز در ذهن و ضمیرتان باقی نمی‌ماند جز هزینه‌ای که برای خرید بلیت پرداخته و شاید هم زمانی که صرف این خوشی بیهوده کرده‌اید.

خبر بدتر این که فیلمی مانند مطرب توانسته رتبه پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۳۹۸ را به دست آورد و نیز به جایگاه پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران دست پیدا کند.

و البته این را هم بداندید و آگاه باشید که سازندگان فیلم سینمایی خوب بد جلف ۲ با وجود تمام انتقاداتی که در جشنواره فیلم فجر به اثرشان وارد شد، اعلام کرده‌اند که قرار است نسخه سوم آن را بسازند و اگر اوضاع بر همین منوال باشد که خوب بد جلف ۲ فیلم اول بدتر بوده، لایذ سومی فاجعه‌ای خواهد بود در سینمای کمدی.

در میان سرگرمی‌های بصری اجازه بدهید، سراغ مقوله‌ای دردناک‌تر از پرفروش‌های سینما برویم؛ یعنی برخی سریال‌های نمایش خانگی. وقتی پای «دل» و «مانکن» در میان باشد، دیگر نمی‌توان حتی به این دل خوش کرد که جامعه تشنه شادی و نشاط است؛ این اشک‌ها را که به پای رستا و آرش یا کاوه و همتا ریخته شد، باید گجای دلمان بگذاریم وقتی نه آرش و رستا واقعی و پذیرفتنی هستند و نه بستری که داستان کاوه و همتا در آن روایت شده شباهتی به جهان ما دارد.



ای دریغا ای دریغا ای دریغ!

این روزها همه تک آهنگ منتشر می‌کنند، اصلاً صرفه در این است که یک خواننده یا روی صحنه بخواند یا تک‌آهنگ بدهد. البته فقط هم صرفه اقتصادی نیست که این طور ایجاب می‌کند، جهان امروز و مردم این جهان دیگر با آلبوم چندان میانه‌ای ندارند. با همه اینها در سالی که روزهای واپسین را پشت سر می‌گذار، چند آلبوم از خواننده‌های مختلف وارد بازار شد که شاید هیچ‌کدام به اندازه آخرین آلبوم همایون شجریان علاقه‌مندان را دست به جیب نکرد اما ای دریغ که خاطره خوب آلبوم‌های همایون تکرار نشد. خیلی‌ها چشم به راه «افسانه چشم‌هایت» بودند و همراهی همایون شجریان و علیرضا قربانی را یک اتفاق قابل اعتنا تلقی می‌کردند اما این آلبوم حتی به اندازه آلبوم «امشب کنار غزل‌های من بخواب» هم کیفیت نداشت و قابل مقایسه نبود با این آلبوم که دو سال پیش با همکاری فردین خلعتبری منتشر شد.

انگار باید تا اطلاع‌ثانوی یا یاد و خاطره آلبوم‌های خوب و تاثیرگذار همایون شجریان سپری کنیم چرا که هیچ‌کدام از آلبوم‌های چند سال اخیر این خواننده جوان به پای همکاری‌های خوب او با برادران پورناظری نرسیده و از آنجایی که خرده مشکلاتی با هم پیدا کرده‌اند، بعید است، در آینده آلبوم‌های قابل اعتنایی مثل «ایران من» از همایون وارد بازار شود مگر اینکه برادران پورناظری و همایون شجریان به سمت هم برگردند و همکاری دوباره آغاز کنند.

داستان موسیقی در سال جاری رو به پایان به آلبوم‌های پرفروش بی‌کیفیت ختم نشد؛ اگر داتان باشد امسال قصه جالب لب زدن‌ها یا همان پلی‌ها کار داشتیم که از کنسرت حمید هیراد آغاز شد و به اعتراض مخاطبان که برای شنیدن موسیقی زنده خرج کرده و بلیت خریده بودند، ختم شد. هیراد تلاش کرد ثابت کند لب زنده اما بعد از او کسانی مانند رضا بهرام راه‌شان را ادامه دادند که نشان بدهند جیب و وقت من و شمای مخاطب گاهی برای عده‌ای از هنرمندان ارزش چندانی ندارد.

کلاهی که بر سر عده‌ای از اهالی موسیقی رفت به همین موارد ختم نمی‌شود و لازم است این را هم مرور کنیم که کسانی برای شنیدن ترانه‌هایی مانند هر بار این درو محکم بنند نرو این چشم‌های ترو نکن تو بدترو، بلیت‌هایی خریدند به قیمت ۴۰۰ هزار تومان و پای آواز گروه ماکان یا ماکان بند نشستند تا برگ مهمی در تاریخ فرهنگ و هنر این سرزمین ورق بخورد.